



عقل گرایی و نقل گرایی در کلام دکتر ارشادی نیا فلسفه منهای وحی، معنا ندارد

هادی مرادی

پیوند جدا ناپذیر بین فلسفه و قرآن و به عبارتی دیگر بین فلسفه و وحی بر قرار است و وحی توانسته چراغ فروزان برای عقل باشد که ابزار مورد کاربرد فلسفه است

اما اگر وجهه نظر معیار های کیفی باشد در بین فلاسفه الهی شخصیت های را می توان برشمرد که آموزه های فلسفی خویش را تعمیم داده و جوامع مختلفی را تحت تاثیر شگرف خود قرار داده اند البته اگر منظور فلسفه به معنای اعم آن از فلسفه اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و... باشد که هیچ گاه فلسفه الحادی در این افق نتوانسته موفق باشد.



* چه پیوندی میان اندیشه فلسفی و فلسفی اندیشیدن و تعقل و خردورزی در قرآن قائل می باشید؟

* «اگر چه قرآن صرفاً کتاب فلسفه نیست اما از آنجا که «تبیان لکل شیء» می باشد، پس قطعاً به مطالب و مسائلی که فیلسوفان یا آن درگیر هستند پرداخته و البته روش پردازش منظور نیست و قرآن با جهت گیری خاصی که همان هدایت گری است به مطالب فلسفی پرداخته و عمیق ترین مطالب فلسفی و ژرف ترین مسایل عقلانی در قرآن وجود دارد. روش فلسفی هم روش خاصی است که نباید توقع داشت قرآن و فلسفه به یک روش به این مطالب پرداخته باشند بنابراین پیوند جدا ناپذیر بین فلسفه و قرآن و به عبارتی دیگر بین فلسفه و وحی بر قرار است و وحی توانسته چراغ فروزان برای عقل باشد که ابزار مورد کاربرد فلسفه است.

* چه نسبتی میان تعقل و تفکر قرآنی و شیوه ی استدلال در منطق برقرار است؟

* «اگر منظور از منطق، منطق ارسطویی باشد که قالب تعریف و استدلال را تعیین می نماید این منطق می تواند قسمت عمده ای از اثبات داده ها و تبیین و تعریف ها را در حوزه ی مفاهیم دینی به عهده بگیرد کما اینکه در قرآن کریم از روش قیاسی به طور عینی استفاده شده است. برهان «تمانع» نمونه ای از این قبیل است.

* قرآن چگونه می تواند منبعی قابل مراجعه و برداشت هم برای کلام درون دینی و هم کلام برون دینی باشد؟

* «پدید آمدن مطالب متنوع کلامی خود دلیلی است که کلام درون دینی از متن فراز های قرآنی برخاسته است. البته روش مراجعه و برداشت متفاوت بوده

اشاره: برگزاری دومین همایش ملی پژوهش های قرآنی و حضور همزمان و پررنگ پژوهشگران حوزه های قرآنی و ارائه مقالات پرمایه در همایش و نیز تشکیل کارگاه های نقد و بررسی این مقالات توسط قرآن پژوهان در نوع خود اتفاقی بسیار ستودنی و نیک بود. در حاشیه این همایش و در کار گروه تخصصی قرآن، فلسفه و کلام فرصتی دست داد تا با اساتید و صاحب نظران حوزه فوق که از دانشگاه ها و مراکز علمی سراسر کشور حضور یافته بودند هم کلام شویم. در همین راستا بر آن شدیم تا پیوند و یا ارتباط های میان فلسفه اسلامی و فلسفه الحادی و نیز شیوه های نگرش فلسفی از قرآن را در گفتگو با دکتر محمد رضا ارشادی نیا عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تربیت معلم سبزوار به بررسی بنشینیم که گزیده آن از نظر می گذرد.

* در حال حاضر فلاسفه امروز خدا باور هستند یا ملحد و کدام یک توانسته نظراتشان را بیشتر گسترش دهند و برای جامعه قابل پذیرش نمایند؟

* «اگر چه پرسش ناظر به کمیت است و پاسخ دقیق نیازمند تحقیق میدانی است تا آمار و گروه مشخص شود اما به نظر می رسد ضرورت چندانی به این مطلب احساس نمی شود زیرا بر وفق آموزه های دینی کمیت بیش یا کمیت ناچیز دلیلی بر حقیقت نمی شود تبیین منطقی و گسترش اطلاعات و یافته های فلسفی بستگی به عوامل مختلف دارد که در صورت مساوی بودن امکانات دو گروه در پردازش یافته های خویش و پیام رسانی به مخاطبان می توان داوری نمود که کدام یک در بسط نظریاتشان موفق تر بوده اند.



دکتر امیدبانی، مدیر گروه پژوهشی کیهان شناسی بنیاد

به صورت بنیادی روی آیات قرآن تمرکز کنیم

در دومین همایش پژوهش های قرآنی، دکتر امیدبانی، مدیر گروه پژوهشی کیهان شناسی بنیاد به بیان بخش هایی از مقالات و تحقیقات خود در زمینه ارتباط قرآن و کیهان شناسی پرداخت. او در بخش هایی از مقاله خود آورده است: در این کتاب آسمانی (قرآن) از بستر علوم طبیعی برای هدایت بشر بسیار استفاده شده است.

او تاکید می کند قرآن در بیش از ۷۵۰ آیه به مصادیق علوم طبیعی، آفرینش بشر و خلقت جهان پرداخته است که اگر به صورت بنیادی روی این آیات تمرکز کنیم و نظام آموزش و پژوهش کشور با توجه بیشتر به این قسمت از علوم طبیعی که پایه بسیاری از دروس دانشگاهی هم هست شتاب تولید علم در کشور افزون خواهد شد.

دکتر امیدبانی که عضو هیئت علمی فیزیک و نجوم ایران و نیز عضو هیات علمی دانشگاه نیز هست، بیشتر پژوهش خود را حول نظم حاکم بر خلقت و اثبات ادعاهای قرآن توسط دانشمندان تجربه گرای غربی قرار داده و با ذکر مصادیق بسیاری در این زمینه آورده است که: بیشترین اشارات قرآن: ماه - ستارگان - افلاک - بادها - جانوران و حرکات موجودات زنده و مسایلی از این قبیل بوده است که با هدف رسیدن انسان به تکامل و شناخت بیشتر پروردگار عالم و جهان هستی بیان شده است.

او با بیان این که اشاراتی از کوچکترین ذرات گرفته تا بزرگ ترین کهکشان ها در قرآن آمده است، ادامه می دهد: در واقع تمام این ذرات کوچک و بزرگ، دارای برنامه و در حکم ترم افزار هستند.

او همچنین ایجاد چهار فصل را نیز منبای حرکت خورشید به دور منظومه شمسی می داند و در بیان نحوه شکل گیری کهکشان ها می گوید: ستاره ها تا یک برنامه تنظیم شده گرد خود می چرخند به مانند منظومه شمسی که به مرکزیت خورشید سیارات و ستاره های دیگر را بر گرد خود می چرخاند. به این ترتیب تمام اینها باز در سطحی گسترده تر و به همراه منظومه های دیگر به دور کهکشان راه شیری می چرخند و این چرخه همچنان ادامه دارد اما علم بشر هنوز نتوانسته به طور کامل این اسرار را درک و اثبات نماید.

وی می افزاید: سال کیهانی نیز از چرخش زمین بر گرد خود و سپس چرخش آن در منظومه شمسی و تحت تاثیر شرایط در مجموعه ای دیگر و بزرگتر شکل می گیرد که طبیعی ترین مضائق آن وجود چهار فصل و تغییر به موقع آن در طول سال است که همگی نشان دهنده نظم خاص در هستی می باشد و وجود و آگاهی پروردگار جهان را قطعی و اثبات می کند.

دکتر امیدبانی که در حاشیه این همایش فقط به برخی از سرفصل های پژوهش خود اشاره نمود خواستار تشکیل یک ستاد جنبی برای کلردی کردن اینگونه تحقیقات بنیادی و پژوهشی های علمی شد و نیز توجه بیشتر و اختصاص اختیارات ویژه به گروه های نجوم و کیهان شناسی را به جهت وجود سابقه درخشان دانشمندان اسلامی و ایرانی و تحقیقات گسترده در این زمینه حایز اهمیت فرولان خواهد.

که در نگاه کلی برخی عقل گرای محض و برخی نقل گرای صرف بوده اند چه بسا با روش ناقص به این کار پرداخته و با بینش تحویل گرایانه به رجوع قرآن دست یارنده اند و جنبه ی خاصی از معارف بلند و عمیق قرآن را دیده اند و از رسیدن به تمام حقیقت بازمانده اند، خواجه نصیرالدین طوسی قهرمان و نقطه عطف کلام درون دینی است که نگاه نسبتاً جامع گرایانه به مسایل کلامی داشته است.

حکمت اسلامی مستقل در برابر فلسفه ی مسلمین تهی از معناست و از سوی برخی ناآشنایان به ماهیت فلسفه ی اسلامی به زبان می آید

شبیوه های نگرش و برداشت فلسفی از قرآن کدامند؟
 ● برداشت فلسفی خود یک نگرش ژرف و بنیادین است که با تمهید اصول و قواعد عقلانی به اثبات داده ها می پردازد به عنوان مثال درباره ی این فراز شریف: «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» با نگاه فلسفی می توان هم با وحدت تشکیکی، توحید را تفسیر کرد و هم با وحدت وجود که تفصیل آن را در آثار فلسفی می توان یافت. بهترین موضع برای مشاهده ی این مطالب آثار تفسیری صدرا و پیروان حکمت متعالیه است.

شبیوه های نگرش و برداشت کلامی از قرآن کدامند؟
 ● عمده ی نگرش های موجود عبارتند از نگرش معتزله، اشاعره و امامیه است که در بین امامیه برخی ذوق اشعری دارند و برخی معتزلی و عده ی خاصی هم به استقلال دست یافته و یا الهام از روایات ائمه ی معصومین (ع) عمیق ترین مطالب کلامی را تحلیل و تبیین نموده اند می توان به آثار صدرالمتألهین در این راستا اشاره کرد.

چگونه می توان بر اساس مباحث قرآنی بر تاسیس حکمت اسلامی مستقل در برابر فلسفه ی مسلمین دست یافت؟
 ● همان گونه که فیلسوفان اسلامی به این کار مهم پرداخته اند اصولاً عبارت «حکمت اسلامی مستقل در برابر فلسفه ی مسلمین» تهی از معناست و از سوی برخی ناآشنایان به ماهیت فلسفه ی اسلامی به زبان می آید! فلسفه اسلامی حاصل خرد ورزی مناسب از سوی خردمند ترین افراد مسلمان در برهه های زمانی گوناگون پدید آمده و نمی توان تاریخ را وارونه کرد و فلسفه اسلامی را به فلسفه مسلمین تحویل کرد. درون مایه های فلسفه اسلامی در روند تکامل خویش چنان غنی از آموزه های دینی است که هرگونه داوری از نوع نامبرده را از بی مایگی مدعی می داند. در بین اشعری گرایان امامیه و روشنفکر نمایان غرب زده این عبارت بسیار خوشایند جلوه نموده است و از سوی آنان ترویج می شود در حالی که آنها از بن با متن فلسفه اسلامی بیگانه اند.

